



یادداشت یک

رسالت باشد برای فردایی دیگر

علی دهقان
روزنامه‌نگار

گاهی اوقات فکر می‌کنم که بعضی از «جمله‌ها» با تعدادی از کلمات خیلی بزرگ، بدنه یا قواره شعاری دارند البته به این ایمان دارم که کلمات در همان لحظه نخست که ساخته شده‌اند با قبل از آن که مشمول حضور عینی شوند (تا معرف رفتارها و اتفاقات جاری باشند) می‌توانند فاعلی بزرگوار و قابل احترام داشته باشند اما همین که ادا می‌شوند، چون باید باز زندگی و حرکت آدم‌ها را به دوش بکشند، در خیلی از مواقع ریسماشان از کف می‌رود و یا سر به زمین می‌خورند. آن وقت دیگر نه تنها نمی‌توان آنها را بزرگوار فرض کرد، بلکه در بسیاری از اوقات، حتی آدم دلش می‌خواهد دست بیندازد و دهان از دهان بسیاری از این کلمات بپرد. باز هم تأکید می‌کنم که این حس هیچ ربطی به نقش یا ماهیت واقعی کلمات ندارد. آنها در مواجهه با ما بر کمان چنین عارضی می‌نشینند و به سمت زمین و هوا برتاب می‌شوند. یکی از این کلمات «رسالت» است. چند روز پیش وقتی از همکارم شنیدم که قرار است «رسالت» در مشاغل مختلف از جمله روزنامه‌نگاری به متن تبدیل شود تا مورد ارزیابی و بازبینی قرار بگیرد دقیقاً همین حس، خیلی نرم در تنم جود می‌خواستم دست روی گوش‌هایم بگذارم و با تمام نیرو فریاد بزنم. به نظر من این روزها تنها جایی که می‌شود «رسالت» را دید همان میدان رسالت تهران است که آدم‌هایش چون می‌دانند جلوی دوربین ایستند و کسی با چشمی مولکول لباس‌های آنها را نمی‌شمارد با سرعت در هم می‌ولند و در این اندیشه هستند که آجری روی آجر زندگی بگذارند یا آجری از روی آجر زندگی بردارند. آنجا وقتی می‌شنوی مسافر کش‌ها یا تمام‌نیرو داد می‌زنند «رسالت» تا گره گرفتاری‌هایشان شل شود، احساس می‌کنی قند از زور شادی بلند شده است. چون «همان رسالت» مثل خوره بر جانت می‌افتد و روح را دندان می‌زند. از میدان رسالت یا چیزی شبیه میدان رسالت که عبور کنی، این کلمه شبیه همان کلماتی می‌شود که گونه‌هایشان پر از یاد شده است و وقتی ادا می‌شوند، طوفان شعار را می‌الازند. فرقی هم نمی‌کند که این کلمه کجا شنیده می‌شود یا کجا ادا شده است. برای تویی که شاید پزشک باشی این کلمه چنین نقشی ایفا می‌کند. برای من هم که در میان روزنامه‌نگاران، روزگار را به آخر خط نزدیک می‌کنم نیز ماجرای این گونه است. گاهی می‌شده است ز سر این کلمه برداشت یا پرداختن به آن را به طرح یک سری دیگر از پرسش‌ها و یافتن پاسخ برای آنها منوط کرد. مثلاً می‌پرسیدیم که «آدم‌ها چگونه می‌توانند «آدم‌تر» باشند؟ این یک پرسش عمومی برای همه مشاغل است، منتهم در بعضی از مشاغل مانند روزنامه‌نگاری چون با فرهنگ جامعه‌ای تبیین می‌شود، این پرسش باید به عنوان یک اصل و یک زیربنای فکلی مطرح شود. اگر منفر روزنامه‌نگاری در ایران سدیگایی داشت که می‌توانست دیگر ساختار و متمایزات فرهنگی میان روزنامه‌نگاران باشد، حتماً باید این پرسش را در صدر فعالیت‌های خود قرار می‌داد. در متون علمی روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاران رهبران فکری و فرهنگی جامعه شناخته می‌شوند. در کشورهایی توسعه یافته نمی‌دانم چه فاصله‌ای میان این آموخته علمی با حس‌های کار روزنامه‌نگاری وجود دارد اما در ایران شک نباید کرد که فعلاً باید به این آموزه به عنوان یک دگور علمی نگاه کرد. این دگور روی شاه‌های بدیده‌ای به نام رسالت استاده است. برای ما قبل از هر چیز باید ضرورت پاسخ به همان پرسش‌های ابتدایی درک شود. البته باید برای بسیاری از مشاغل دیگر نیز این گونه است. باید برای بسیاری از مشاغل که با آدم‌های جامعه طرف هستند این پرسش را طرح کرد که آدم‌های یک صنف چگونه می‌توانند به یکدیگر رحم کنند تا بعد از آن بتوانند «واقعیتی انسانی» در ترویج فرهنگ اجتماعی باشند. مگر می‌شود در یک صنف و در بیشتر اوقات صدای همه بلند باشد که اعضای آن صنف به یکدیگر رحم نمی‌کنند یا بر اساس یک عادت بومی، دایم در حال خالی کردن زیر پای یکدیگر هستند. آن وقت از «رسالت» هم سخن گفته شود در چنین فضای از آموختن چهار عمل اصلی ریاضی بخواهد به آن اندیشه کند و در این رویا باشد که هر روز می‌تواند انتگرال را در مشق روزانه‌اش مات کند اما دایم تدریفته باشم یا بوهی صورت نگرفته باشد، اما باور کیندیز یزترین و بزرگوارترین کلماتی‌زوقی شکلی شعاری دارند موجب دگرگونی حال آدم می‌شوند. برای همین بهتر است دست از سر آنها برداریم. به باور من و براساس آنچه تجربه شخصی نام گرفته است، در صنف کاریم، معقول آن است که قبل از «رسالت»، ما کمی در کوچه «اخلاق» پارک کنیم. رسالت باشد برای فردایی دیگر شاید!

یک نگاه متفاوت به زندگی حرفه‌ای آدم‌ها

اگر هر حرفه یک رسالت باشد...

در «طرح نو» امروز همچنین
مطالبی می‌خوانید از:

سیاوش جمادی، هادی ساعی، مهدی
حاج اسماعیلی، محمدحسین جوادی، ابراهیم
قاسمیپور و...

و گزارشی درباره ایده حضور دانش‌آموزان
استثنائی در مدارس عادی